



سهم ما چقدر است؟

گویا بعد از ۲۴ سال کشور داری هنوز در تمام برنامه‌های فرنگی والته فرنگی ماب، مشکل چگونگی حضور و یا نبود سامانه و سیستم هزینه و فایده وجود دارد و تنها داستان اسکار نیست که همچنان در مواجهه با آن لنگ می زنیما الان بیش از دو دهه از حضور ایران در نمایشگاه کتاب فرانکفورت می گذرد. این نمایشگاه از این جهت معتبر ترین نمایشگاه کتاب جهان است که در آن کبی رایت صدها جلد کتاب به فروش می‌رسد. لذا نمایشگاه کتاب فرانکفورت را باید یک حرکت عظیم اقتصادی – فرهنگی نامید. اگرچه مشخص نیست در تمام سال‌های حضور کشورمان در این نمایشگاه چه دستاوردهایی نصیب ما شده است جز حضور برخی مسئولان و بر گزرای جشن و ناهارخوران و عرضه کتب نگارگری و حافظ و مولانا!

در این نمایشگاه سالن بسیار بزرگی با صدها میز و صندلی تعبیه شده است که روزانه صدها ناشر از سراسر جهان با هماهنگی قبلی رو در روی هم می نشینند تا در باره فروش رایت کتابهایشان مذاکره کنند. لذا ملاک موفقیت هر ناشری در این نمایشگاه میزان فروش رایت کتاب است. آن هم کتاب هایی که حتما به زبان انگلیسی ترجمه شده باشند. گردش مالی چند میلیارد دلاری و سودی که ناشران می برند میزان موفقیت حضور کشورها را رقم می زند. حال باید پرسید سهم ایران از این سود چند میلیاردی چقدر است؟

ایران هرساله با صرف هزینه ده ها هزار یورویی به نمایشگاه فرانکفورت می رود که این رقم امسال به حدود صد هزار یورو رسیده است چون مدیر عامل موسسه نمایشگاه ها غرفه غیر متعارف و پرهزینه صد متری را به ۲۴۰ متر افزایش دادند.

ای کاش کسی مثل وزیر محترم ارشاد و یا سازمان بازرسی یک بار هم شده از مدیران نمایشگاهی ایران می پرسیدند که با تحمیل چنین هزینه سنگینی به بیت المال کیی رایت چند جلد از کتابهای ایرانی را به ناشران چند کشور فروخته اید؟

اگر گفته شود که نمایندگان ایران در نمایشگاه فرانکفورت نتوانسته اند رایت حتی یک جلد کتاب را بفروشند چه کسی باید در پیشگاه خدا و مردم و بخصوص اهالی قلم پاسخگوی هزینه های چند صد هزار یورویی باشد؟ ملاقات با فلان شخصیت فرنگی و برگزاری روز حافظ در حضور تماشاچیان ایرانی و چند مهمان خارجی آیا می تواند جواب قانع کننده ای باشد؟ مگر اینکه بپذیریم ما اصولا کاری به سالن مذاکره و گفت و گو با ناشران جهان نداریم و در هر روز بیست نفر را به همراه خود می بریم تا گفت و گذاری کنیم و برای حلال شدن این هزینه تماشا خانه ای از کتابهای فارسی زبان ایرانی را در فضایی ۲۴۰ متری برپا می کنیم و کاری هم نداریم که در سالن مذاکرات چند صد نفر ناشر نشسته اند و قرارداد های میلیون فروشی رایت کتاب را امضا کرده اند. مهم همان چند عکس یادگاری است!

اگر این دوستان چنین هم نگویند در عمل چنین کرده اند و در واقع دست خالی از سفر آلمان بازگشته اند. کاروان بیست نفری ایران با صرف چنین هزینه ای به گونه ای بر می گردند که به هیچ احدی پاسخگو نیستند و بعد دست روی دست می گذارند تا یک سال دیگر بگذرد و مقدمات حضوری بر رنگ تر را فراهم کنند و این چرخ همچنان می چرخد و کسی هم بی نمی برد که بی تفاوتی در برابر حیف و میل بیت المال می تواند یک جرم نرم تلقی شود و پیگرد قانونی داشته باشد.

به وزارت ارشاد پیشنهاد می شود که از این پس بودجه صد هزار یورویی نمایشگاه فرانکفورت را از این که هست زیاد تر کنند. از این مبلغ هرساله ۵۰ هزار یورو را اختصاص بدهد به ترجمه ۲۰ رمان ایرانی و یا ۵۰ کتاب کودک و ۵۰ هزار یورو بقی مانده را بگذارد در کشوی یکی از میزها و به کارشناسان کتاب و آژانس های ادبی بخش خصوصی بگویید به ازای فروش رایت هر جلد کتاب دولتی یورو جایزه می دهیم با این کار ما هرساله ، هم ۲۰ جلد رمان را ترجمه کرده ایم و هم ۲۵ جلد کبیی رایت کتابمان را فروخته ایم. آیا انجام چنین کاری به یک معجزه شبیبه است؟ یعنی کاری شدنی است؟

آیا به نظر شما هزینه کردن ۱۰۰ هزار یورو ظرف یک هفته بیشتر به یک معجزه شبیبه نیست؟

امیدوارم وزیر محترم ارشاد برای جلوگیری از حیف و میل هزینه‌های سنگین از این پس حضور خود را در هر نمایشگاه فرنگی به گونه ای رقم زند که ما بتوانیم در ازای هزینه به نتیجه ای مطلوب دست یابیم و فراموش نکنیم آنچه در مورد نمایشگاه فرانکسورت گفته شد حرف تازه ای نبود و پیش از این هم بارها گفته شده بود. حال مهم این است که با تدبیر و برنامه با حضور در هر برنامه فرهنگی به فکر نتیجه باشیم نه فراتر گزارش هایی که حاصل آن فروش حتی یک جلد کتاب هم نیست. تازه یادمان برود که مدیر محترم دولتی در فرانکفورت از گفت و گوی یک ناشر آمریکایی و درخواست وی برای حضور ایران در نمایشگاه کتاب لس آنجلس یاد کرده است نه اینکه در فرانکفورت خیلی موفق بوده‌ایم حتما باید پیشنهاد آمریکایی‌ها را هم بررسی کنیم!

■ **محمدرضا سلطانی**

تائیر بی رقیب

مشهور است که بعد

از پخش فیلم سینمایی «مارمولک» و شخصیت پردازی روحانی اصلی فیلم، کتاب «شازده کوچولو»ی اگزوپوری طرفداران زیادی پیدا کرد و ناشران متعددی دستت به بازنشر این کتاب با ترجمه‌های مختلف زدند که تا امروز هم این بازنشرها ادامه داشته و دارد. همچنین پس از پخش مجموعه تلویزیونی «شهریار» آمار فروش مجموعه اشعار این شاعر نامی در کشور بالا رفت و بسیاری دنبال غزل‌های عاشقانه مردی بودند که با زمان پخش سریال سال‌ها فاصله داشت!

این گوشه ای از تاثیر رسانه بر افکار عمومی است که علاوه بر آشنایی مردم با چهره‌های ملی، و یا چهره سازی حقیقی، مردم را با گوشه هایی از فرهنگ و تمدن خود آشنا می سازد. اتفاقی که با وجود سایه سنگین رسانه‌های غربی و شیطنت‌های رسانه ای شرقی، کمتر در رسانه ملی رخ می‌دهد و ضرب المثل «هرغ همسایه غاز است» را به شدت میان مردم رایج کرد. «خومنگ» نقش اول محبوب جوانه هایی شده که آرش کمانگیر را از تاریخ جعلی خود دارد اما تاریخ جلی کاشوری که قدمتش شاید به تولد یکی از شهرهای کشور هم نرسد، برایش جذاب تر شده است! درست همان بلایی که بر سر محصول تولید داخل آمده و برندهای خارجی، جای تولیدات داخلی را گرفته اند چرا که آنها در جنگ رسانه‌ای و البته پروپاگاندای روانی پیروز شده اند.

به جز کتاب، در سایر بخش‌ها هم کم نبوده نمونه‌هایی از تولید و فروش محصولاتتی با تلویزیونی شخصیت‌های تلویزیونی برگرفته از فیلم ها و سریال‌ها و انیمیشن‌ ها.. همه این ها نشانه‌هایی است برای تأیید کار کرد ذاتی رسانه مینی بر

نسل سوم

nasle3@Kayhan.ir



وقتی تلویزیون جوگیر می‌شود و به جای ترمیم محتوا، شبکه‌هایش را زیاد می‌کند

چرا شوالیه‌ها را جدی نمی‌گیریم؟

مضحک، از گوشه و کنار این گربه دوست داشتنتی برای گربه خست‌خستگی‌هایی کرده‌اند و بعضا با همین خط کثشی ها کشور شده اند، و هر روز مترصد ساخت تاریخی جعلی برای فرهنگ و تمدن نداشته خود هستند، ما همچنان در سانه اول رسانه‌های متعدد رادیویی و تلویزیونی هستیم و نه استفاده از ظرفیت و ظرفت رسانه ملی. همین هم هشدار اصلی برای رسانه ملی است؛ توجه به ریشه های تاریخی کشور بیش از گذشته.

اگر تاثیر شگرف رسانه بر افکار عمومی را بپذیریم و همچنین ضعف آگاهی بخشی در حوزه فرهنگ و تمدن ایران زمین را قبول کنیم، باید بدانیم که کوتاهی در امر معرفی مشاهیر و تاریخ بی بدیل اشکل گیری و حیات «تمدن نو» با کننند و تاریخ بی بدیل فاخر، کلاهی برای خود دست و پا کنند.

تلویزیون باید بداند که تاریخ را نمی‌شود چند بار و با چند نگاه متفاوت، روایت کرد و در خلال این روایت‌ها، اصلاح و ترمیم هم داشت.

آنها را تحمل کنیم. به خودتان ایمان داشته باشید؛ شما برحسب میزان شکیبایی خود، قدرت و توانایی بیشتری را به دست خواهید آورد.
به اندازه خود، مسئولیت بگیرید
این پند، همیشه در خاطراتمان ماندن. ما اغلب تمایل داریم بیشتر از توان مان مسئولیت برعهده بگیریم؛ انگار این امر، ذهن و میت ما را راضی می‌سازد، اما شما که حدود خود را به خوبی می‌شناسید، چرا کار بیشتری را تحمل می‌کنید که نگرانی بیشتری را برای شما در بر خواهد داشت؟ شما نمی‌توانید با فعالیت های بیشتر، ذهن خود را به سمت آرامش سوق دهید؛ بنابراین در تگریمی های اضافی را کاهش دهید و اوقات خود را صرف دیدن، درون نگری و آرامش نمایید. این کار افکاری را که موجب بروز استرس و بی قراری در ذهن تان می‌شود، کاهش می‌دهد. ذهن آسوده، آرامش بیشتری در بر خواهد داشت.

تمرکز را تمرین کنید
تمرکز، تمرکز، ذهن را آرام می‌کند و افکار مزاحم را از بین می‌برد. این کار بالاترین درجه آرامش ذهن است. اگر هر روز نیم ساعت تمرکز نمایید، ذهن تان در ۲۳ ساعت و نیم دیگر، آرامش کافی خواهد داشت و ذهن شما به سادگی قیل، درگیر ناملایمات نمی‌شود. با افزایش زمان تمرکز روزانه، سود بیشتری عایدتان خواهد شد.

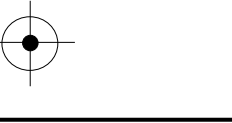
ذهن خالی، هرگز!
ذهن خالی، محل مورد علاقه شیطان است. تمام کارهای شیطانی در ذهن خالی روی خواهد داد. ذهن خود را با افکار مثبت و با ارزش پر کنید. فعلاچه یک سرگرمی را دنبال کنید و کاری را انجام دهید که علاقه شما را برانگیزد. شما باید تصمیم بگیرید که چه چیزی بیشتر ارزش دارد؛ پول یا آرامش ذهن؟
حتی زمانی که از لحاظ جسمی در حال استراحت هستید، خودتان را مشغول خواندن یا مناجات با خدا نمایید.

افسوس گذشته را نخورید
برای وقت خود ارزش قائل شوید و کارهایی را انجام دهید که به راستی لازم است. باید تصمیم بگیرید که اولین بار با شکست مواجه شوید؛ زیرا می‌توانید از اشتباهات خود درس بگیرید و بار دیگر موفقیت کسب نمایید. عقب نشینی و نگرانی، کاری از پیش نمی‌برد، هرگز حسرت نخورید؛ آنچه که اتفاق افتاده، دیگر قابل تغییر نیست، حتی اگر تمام عمر حسرت آن را بخورید.

ویتامینه

تا به‌همان ماه همان سال را در بر می‌گیرد و از بخش‌های مختلفی همچون استان کرمان در نبرد نامن‌الامنه، با گردان شهید بهشتی از کرمان تا آبادان، استان کرمان در نبرد بزرگ شرق کارون، به سوی نبرد طریق‌القدس و حماسه سابله تشکیل شده‌است.
سردار حاج قاسم سلیمانی نیز پیش از تحویل این اثر به سوره مهر آن را مطالعه کرده و مقدمه‌ای نیز بر آن نوشته‌است. وی در بخشی از این مقدمه به نقش فراموش‌نشدهی کرمانی‌ها در نبرد روایت‌شده در کتاب «نبردهای پیروز» می‌پردازد و می‌گوید:
«رزم کرمانیان در نامن‌الامنه و طریق‌القدس سرآغاز تولد ثارالله و موجب اعتبار و اعتمادی شد که پس از آن سپاه کرمانیان در تمامی نبردها همواره خط‌شکن خطوط دشمن شد و ستاره کرمان در آسمان اسام خمینی(ره) از چنان درخشندگی خیره‌کننده و پرچم‌زدهای برخوردار شد که هزاران مشتاق خمینی(ره) را به خود جذب کرد که بعدها لشکر و طوفانی سهمگین را به نام ثارالله پدید آورد تا خرمن دشمن را بر باد دهند.»

مجموعه ۱۵ جلدی تاریخ‌نامه دفاع مقدس استان کرمان نقش نیروهای سپاه و بسیج استان کرمان در هشت سال دفاع مقدس را روایت می‌کند و تاکنون دو جلد از آن با موضوع اقدامات انقلاب و سپاه در اوایل انقلاب و نبرد کرخه‌کر منتشر شده‌است. این کتاب در آیدنهای نزدیک منتشر و در اختیار علاقه‌مندان قرار خواهد گرفت.



اصولا از لحاظ اقتصادی و بازتاب مردمی هم توتان و کششی برای دوباره سازی قالب‌های متنوع رسانه‌ای، همچنان برنامه‌های نمایشی در تمام‌شاخه‌ها پرریننده ترین تاثیرگذار ترین برنامه‌های رسانه ملی محسوب می‌شود و همین هم کار تولید چنین برنامه‌هایی را بسیار سخت می‌کند.
اگرچه رسانه ملی – با تأکید بر تلویزیون – باید مراقب باشد که «توجه ویژه به مفاخر» دکان دونبشی برای برخی سری سازه‌ها و بساز بفروش‌های فرهنگی نشود تا از یادمان نرود که «تاریخ» و نقل روایت های تاریخی برای قرن‌ها تمدن ایران‌ زمین، محملی برای اسودجویی و به همواره جذاب بوده و تاریخ تولید و پخش مجموعه‌های تلویزیونی پرریننده نیز ای تاریخ را تأیید کرده که هرگاه «تاریخ به شکلی جذاب، داستانی و البته حرفه‌ای برای مخاطب روایت شده، تلویزیون یگانه رسانه خانه های مردم بوده است و لبخندگام و عامه مردم بر لب

صفحه ۸
شنبه ۲۳ مهر ۱۳۹۲
۹ دی‌چهره ۱۴۲۴ – شماره ۲۰۶۱۷
ثروت‌های ملی از جمله شعر ادبیات، با استفاده از بیان هنری، از اصلی‌ترین وظایف امروز و آینده رسانه ملی است. ضمن اینکه، تداوم این نوع برنامه‌سازی با رعایت قاعده «حرفه‌ای سازی و رضایت‌نخبگان» و همچنین استفاده از پخش جهانی به طرق مختلف، افکار عمومی جامعه و مخاطبان جهانی را در برابر شایعات و خبرسازی‌ها واکسینسه می‌کند و به جای پناه بردن به اسطوره‌های خیالی تمدن‌های خودساخته و فرهنگ‌های بی‌ریشه، توجه به دژ مستحکم فرهنگ و تمدن ایرانی به عنوان قلعه‌ای مستحکم تر برابر هجوم خرده‌فرهنگ‌ها و ریزگردهای فرنگی ماب تاریخ مصرف‌دار، در فهرست علاقه مندی‌های نخبگان و توده مردم قرار خواهد گرفت. توجه باید ابتدا

چرا شوالیه؟
متأسفانه در دنیای امروز و از سوی بنگاه‌های بزرگ رسانه‌ای و شبکه‌های تلویزیونی با پخش مستندها و مجموعه‌های تلویزیونی، تصویری متفاوت از واقعیات امروز ایران را نمایش داده و می‌دهند؛ اتفاقی که به نظر می‌رسد با توجه به پیشرفت‌های کشور و ظهور استعداد‌های جدید و جهانی، در آینده نیز بیشتر شود. به همین منظور و برای جلوگیری از تصویرسازی غیرواقعی از کشورومان و همچنین خنثی‌سازی طرح «ایران هراسی» که چند سالی است به انحاء مختلف در رسانه‌های شرقی و غربی بروز یافته، راهی جز بیان هنری تاریخ و تمدن ایران زمین وجود ندارد و استفاده از شوالیه‌های منای تاریخ ایران گویاترین زبان هنری دفاع از فرهنگ ایران و ایرانی است؛ اتفاقی که اگر به شکلی منسجم و هماهنگ در تمامی اجزاء رسانه ملی با هدف هم‌افزایی میان شبکه‌ای و استفاده از فن تکرار برای عرضه محصول به همه مخاطبان داخلی و خارجی با هر سلیقه‌ای، علاوه بر کاهش مسومویت مباران‌های ناجوانردانه رسانه‌ای در جهت تخریب ریشه‌های ایرانی – اسلامی فرهنگ کشورمان، به تقویت «عتماد به نفس» ملی و در نتیجه کمرنگ شدن خودرزی فرهنگی با هدف همپای نامیدی در جامعه نیز کمک خواهد کرد.

رسالتهی که اگر نگوییم رسانه ملی به شکلی از عهده آن بر می‌آید بدون شک سهم عده‌های در برآورد ساختن این اراده و خواست به حق ملی دارد. تکیه بر داشته و اعتماد به اندوخته‌های تمام ناشدنی از منظر آشنایی با

نمایش‌های تولید شده در سراسر کشور به جشنواره فجر هستند، تعمیم یافته و اوضاع به نحوی بود که بعضا برخی آثار پس از اجرا در چندین جشنواره، در آوردگاه تولیدات نمایشی استان نیز قرار می‌گرفت؛ این مسیر مشکلات متعدد دیگری نیز داشت. از جمله این که:
چون برخی نمایش‌ها در دیگر جشنواره‌ها شرکت کرده و اجرا می‌شدند، جشنواره‌های استانی به عنوان مهمترین رویداد و گسترده مردم محل گردآمدن هنرمندان استان‌ها با چالش مخاطب مواجه می‌شد.
در واقع اجرای آثار تکراری در جشنواره های استانی باعث رویتگردانی مردم از این جشنواره‌ها شده بود. در نتیچه به تدریج اوضاع به سمتی رفت که در جشنواره های استانی عدهای دور هم جمع می‌شدند و برای همدیگر تئاتر اجرا می‌کردند آنهم در غیاب مردم!

در حالی که اغلب قریب به اتفاق استان‌ها دچار محدودیت امکانات هستند، برخی گروه های نمایشی به دلیل حضور در چندین و چند جشنواره، بهره بیشتری از این حداقل‌ها گرفته، عدالت در استفاده یکسان از امکانات رعایت نمی‌شد و همین امکانات باعث می‌شد کار آنها بیشتر دیده شود و دوباره همان‌ها که قبلا جایزه ه بودند بازهم جوایزی نصیب خود کنند و رقابت در یک شرایط عادلانه بی معنا می‌شد. همچنین برخی آثار کملا مناسبتی ساخته شده و گاه مختص جشنواره‌های خاص تولید شده که با نمایش در این جشنواره‌ها، هم حق آنها و هم گام حق دیگر گروه‌ها ادا نمی‌شدا
ینابراین به نظر می‌رسد با روش جدیدی که برای برگزاری جشنواره های استانی در نظر گرفته شده ضمن این‌که امکانات موجود در اختیار کسانی قرار می‌گیرد که پیشتر از آن استفاده نکرده اند، آثاری مختص جشنواره بین المللی تئاتر فخرتهپه شده و به مردم عرضه می‌شود. اتفاقی که نباید به خاطر نام «استانی» بودن از تیررس غرض مدیران و دلسوزان دور شود. به هر حال همه می‌دانیم که سرمایه‌های بی‌نظیر این کشور تنها در تهران و آنهم در دست عدهای خاص نیست و آنها‌که خارج از پایتخت کار و تلاش هنری دارند نیز نیازمند دیده شدن هستند و جشنواره‌های کم‌هزینه و پر‌فایده‌ای مانند جشنواره‌های استانی البته با همین شیوه برگزاری، شاید راه مناسبی برای کشف و تربیت استعداد‌های استانی باشد.

■ **فرهاد کاوه**

چه شکل های غم انگیز مبهمی دارند!
و ابرها چه خیالات درهمی دارند!
چقدر ساکت و سنگین و سرد می گذرند!
سپاه و غم زده انگار ماتمی دارند
حیاط خانه بُر از پُر، بُر از زباله شده است
تو نیستی و کلاغان چه عالمی دارند!
تو نیستی...منم و باد‌های پاییزی
که دست از سر این خانه برنمی دارند
منم که پنجره را باز می کنم هر روز
و فکر می کنم این کاج‌ها غمی دارند
تو نیستی...منم و شاخه های خشک انار
و ابرها چه خیالات درهمی دارند

■ **پاتنه صفایی**



بوی بارون

تا به‌همان ماه همان سال را در بر می‌گیرد و از بخش‌های مختلفی همچون استان کرمان در نبرد نامن‌الامنه، با گردان شهید بهشتی از کرمان تا آبادان، استان کرمان در نبرد بزرگ شرق کارون، به سوی نبرد طریق‌القدس و حماسه سابله تشکیل شده‌است.
سردار حاج قاسم سلیمانی نیز پیش از تحویل این اثر به سوره مهر آن را مطالعه کرده و مقدمه‌ای نیز بر آن نوشته‌است. وی در بخشی از این مقدمه به نقش فراموش‌نشدهی کرمانی‌ها در نبرد روایت‌شده در کتاب «نبردهای پیروز» می‌پردازد و می‌گوید:
«رزم کرمانیان در نامن‌الامنه و طریق‌القدس سرآغاز تولد ثارالله و موجب اعتبار و اعتمادی شد که پس از آن سپاه کرمانیان در تمامی نبردها همواره خط‌شکن خطوط دشمن شد و ستاره کرمان در آسمان اسام خمینی(ره) از چنان درخشندگی خیره‌کننده و پرچم‌زدهای برخوردار شد که هزاران مشتاق خمینی(ره) را به خود جذب کرد که بعدها لشکر و طوفانی سهمگین را به نام ثارالله پدید آورد تا خرمن دشمن را بر باد دهند.»

مجموعه ۱۵ جلدی تاریخ‌نامه دفاع مقدس استان کرمان نقش نیروهای سپاه و بسیج استان کرمان در هشت سال دفاع مقدس را روایت می‌کند و تاکنون دو جلد از آن با موضوع اقدامات انقلاب و سپاه در اوایل انقلاب و نبرد کرخه‌کر منتشر شده‌است. این کتاب در آیدنهای نزدیک منتشر و در اختیار علاقه‌مندان قرار خواهد گرفت.